



ebrahimi1@yahoo.com

محسن ابراهیمی

انترناسیونال

## هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت  
www.haftegi.com

# ۴۷

۱۰ فروردین ۱۳۸۰  
۳۰ مارس ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

قابل توجه طراحان و گرافیست ها  
**آرم حزب کمونیست**  
**کارگری را طراحی کنید**

روابط عمومی حزب: مریم نمازی  
تلفن: 00447719166731  
فکس: 00448701351303  
wpipr@ukonline.co.uk  
دبیر خانه حزب: شهلا دانشفر  
تلفن: 00447950517465  
markazi@ukonline.co.uk

طول موج جدید  
**رادیو انترناسیونال**  
**۲۵ متر ۱۱۶۲۵ کیلو هرتز**  
۹ تا ۹:۴۵ شب  
بوقت تهران  
به دیگران اطلاع بدهید  
radio7520@yahoo.com  
تلفن 0044 7714611099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0044 208 962 2707

بلکه خود به همراه حکومت اسلامی بلازده شد. "انتخابات ۸۰" برای هر دو جناح نگران کننده است. تا آنجا که به تقابل مردم و جمهوری اسلامی مربوط است هر دو جناح از عدم استقبال مردم، از رشد اعتراضات مردم و از تبدیل شدن این نمایش

صفحه ۳

اکنون در حال افول است. چهار سال پیش خاتمی به میدان آمد تا به نام مردم و مطالبات نسلی از جوانان و زنان معترض، خون تازه در رگ موجود کثیف اسلامی بدمد. این نگرته، نه تنها نگرته بلکه عمارت لرزان جمهوری اسلامی به مراتب لرزانتر شد. بز بلاگردان نظام اسلامی نه تنها نتوانست بلا را از سر نظام اسلامی برگرداند

تصمیمی از یکطرف انعکاسی از سرکبیجه سیاسی کل حکومت اسلامی است که به هر سو میچرخد با مردمی جان به لب رسیده، خشمگین و معترض روبرو میشود. و از طرف دیگر، انعکاسی از بن بست کامل جریان دوم خرداد است که به مثابه یک پروژه درون حکومتی و دقیقاً برای ساکت کردن همین مردم معترض سر برآورد و بی

دو ماه بیشتر به نمایش اسلامی ۸۰ نمانده است. نامه های من بمیرم کاندید شو از طیف دوم خرداد روی میز ریاست جمهوری انباشته شده است. "قهرمان حماسه دوم خرداد" همچنان ساکت است و لب نمیکشاید. یک سرگردانی و بلا تکلیفی عمیق سیاسی طیف دوم خرداد را در برگرفته است. این سرگردانی و بی

## اعتراضات مردم در شهر لامرد

شهر لامرد در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۷ و ۸ فروردین شاهد اعتراض و تظاهرات وسیع مردم بود. این اعتراضات به دلیل تغییر محل پالایشگاه گاز پارسین از شهر لامرد به بخش مهر که زادگاه وزیر کشور جمهوری اسلامی است، آغاز شد و گسترش بسیاری یافت. در جریان این اعتراضات تعدادی از مردم دستگیر شده اند. در شرایط

شهر لامرد در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۷ و ۸ فروردین شاهد اعتراض و تظاهرات وسیع مردم بود. این اعتراضات به دلیل تغییر محل پالایشگاه گاز پارسین از شهر لامرد به بخش مهر که زادگاه وزیر کشور جمهوری اسلامی است، آغاز شد و گسترش بسیاری یافت. در جریان این اعتراضات تعدادی از مردم دستگیر شده اند. در شرایط

## نامه سرگشاده به مهرانگیز کار

صفحه ۲

آذر ماجدی

## به کمیته بین المللی علیه سنگسار پیوندید!

صفحه ۴

## "اقتدار ملی، اشتغال" و انقلاب کارگری!

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

پس از پیام نوروزی خامنه ای در نامه سرگشاده ای با تایید مجدد اخلاص و چاکر منشی خود اعلام کرد آماده تلاش برای اجرای "منویات" ایشان است. مساله واقعا بیخ دارد. شعار اشتغال خامنه ای انعکاس ترس از به میدان آمدن طبقه کارگر است.

اینجا صرفاً بحث بر سر این نیست که هم اکنون دامنه نارضایتی ها در بین کارگران تا چه حد وسیع است. بحث بر سر زمینه های قوی راه افتادن یک جنبش وسیع برای افزایش دستمزد، علیه بیکاری و یا نمایش قدرت در اول مه

صفحه ۴

قرار دهد، به نیرویی توجه دارد که "اقتدار" جمهوری اسلامی را به زیر سوال میبرد. به طبقه کارگر اشاره دارد؛ به صدها اعتراض رادیکالی که علیه بیکارسازی و عدم پرداخت دستمزدها طی سال گذشته صورت گرفت، به میلیونها زن و مرد جوانی که نه فقط شغل میخواهند که به تبعیض و آپارتاید جنسی اعتراض دارند، به حکومت مذهبی و اختناق اعتراض دارند و در یک کلمه در جستجوی یک دنیای بهتر اند. نمیشود همه اینرا به حساب خود شیرینی و این الوقتی خانه کارگر جمهوری اسلامی بگذاریم که بلافاصله

خلاصه آخرین تقلابهای جمهوری اسلامی برای حفظ خود. "اشتغال"، به اقتصاد و اوضاع وخیم معیشتی مردم اشاره دارد. ظاهراً اینطور است که از یکطرف "سه قوه" باید اقتدار جمهوری اسلامی را حفظ کنند و از طرف دیگر بکوشند اوضاع اقتصادی را بهبود بخشند تا از دامنه نارضایتی مردم مگر کم کنند. اما در وضعیت جمهوری اسلامی، اشتغال، نه یک شعار صرفاً اقتصادی که شدت سیاسی است. پیش از آنکه هیچ جهت گیری اقتصادی بتواند جلوی جمهوری اسلامی غرق در فساد و فلج اقتصادی

خامنه ای دو شعار برای حکومتش در سال ۸۰ تعیین کرده است: "اقتدار ملی" و "اشتغال".

"اقتدار ملی" به زبان آدمیزاد یعنی تلاش برای بحران وخیم سیاسی و حکومتی که به آن دچار است. "اقتدار ملی" یعنی اعلان جنگ حکومت اسلامی به مردمی که برای بگور سپردن اش به حرکت درآمده اند. یعنی آمادگی راس رژیم برای آمدن به صحنه و دست زدن به وسیع ترین بگور و ببندها، حتی اگر لازم باشد از خودیها، یعنی دادن مجوز از پیشی برای انواع حکومت نظامی های اعلام شده و نشده و

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# نامه سرگشاده به مهرانگیز کار

آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com



خانم مهرانگیز کار عزیز با تأسف بسیار از بیمارستان مطلع شدم، و خوشحالم که توانستید برای معالجه به خارج کشور سفر کنید. در تمام این مدت دورادور جوایای حال و وضعیت تان بودم. و برای اینکه شرایط را برایتان سخت تر و پیچیده تر نکنم مستقیماً با شما تماس نگرفتم. با آرزوی سلامتی برای شما و با ابراز تأسف از اینکه نتوانستید در کنفرانس دوم مدوسا شرکت کنید، نکاتی هست که باید با شما درمیان بگذارم. شما در مصاحبه ای با رادیو تپش در سوئد درباره محاکمه تان و کنفرانس برلین صحبت کرده اید. متن این مصاحبه اخیراً چاپ شده است. شما در این گفتگو خطاب به معترضین در کنفرانس برلین سخنانی گفته اید که باید پاسخ گیرد. شما گفته اید:

"اما می‌خواهم از این موقعیت استفاده کنم و چون شما از سوئد زنگ می‌زنید، اگر شنوندگان تان جزو افرادی هستند که در کنفرانس برلین آن شکل اعتراض آمیز بسیار غلط و کاملاً معارض با فرهنگ ایرانی را انجام دادند، گله مندی خود را از آنها بشدت اعلام بکنم و از آنها بخواهم که واقعا از این نوع برخورد ها دست بردارند و برای کسانی که در ایران مانده اند، ماندگار شده اند و شرایط را تحمل کرده اند، احترام بیشتری قائل باشند. من در آن لحظاتی که در پانل ها می‌دیدم که این آقایان و خانم ها هتاک می‌کردند - به خود من هم زیاد هتاک نمی‌کردند، به دیگر شرکت کنندگان هتاک می‌کردند- حقیقتاً عرق شرم می‌ریختم. گله دارم از اینکه در کنفرانس برلین افرادی را که طی این بیست و یک سال در ایران مانده اند، کار کرده اند و کوشش کردند، تحولی در ایران بوجود بیاید و بدون اینکه خونریزی و خشونت ورزی شود، بدون اینکه

اید فعلاً جنایات حکومت را مسکوت بگذارید و مراتب سرافکنندگی خود را از اعمال مخالفان اعلام بفرمائید. در این صورت باید بگویم که خانم کار عزیز اگر اوضاع سیاسی به شما اجازه نمیدهد که از وجود چنین حکومتی در کشورتان شکوه کنید، اگر شرایط سیاسی به شما اجازه نمیدهد که تمام سخنانتان را بگویید، بهتر است که نقدتان از اپوزیسیون آزادیخواه و سرنگونی طلبی که بیست و دو سال است قربانی میدهد و علیه این رژیم سیاه مبارزه میکند را هم پیش خود نگه دارید. این حداقل انتظار از کسی است که نخواهد با ارتجاع اسلامی در ایران تداعی شود.

ما از ابتدا اهداف و مقاصد برگزار کنندگان کنفرانس برلین، یعنی دولت خاتمی و دولت آلمان، را افشاء کردیم و علناً و صریحاً اعلام کردیم که اجازه نخواهیم داد کسی برای این رژیم جنایتکار آبرو بخرد. ما بیش از یک دهه است که ماهیت این رژیم سنگسار و اعدام، این رژیم آپارتاید جنسی و سرکوب را نزد افکار عمومی غرب افشاء کرده ایم. ما اعلام کرده ایم که به مقامات رژیم اسلامی اجازه نخواهیم داد که به غرب بیایند و آزادانه به دفاع از رژیم اسلامی بپردازند. گفته ایم که فعالان به چنین مراسمی اعتراض خواهیم کرد و چنین هم کردیم. ما و مردم به جان آمده در ایران به این مبارزات افتخار می‌کنیم.

اعتراض به کنفرانس برلین، اعتراضی برحق به مقاصد برگزار کنندگان کنفرانس و به وجود برخی از پانلیست ها بود. آنچه شما بعنوان هتاک از آن یاد میکنید، افشای جنایات جمهوری اسلامی و سوابق برخی از شرکت کنندگان و شرکتشان در این جنایات است. این افشای حقایق برای کسی که در مقابل جمهوری اسلامی و در کنار مردم ایستاده است نه تنها باعث شرم نمیشود، بلکه باعث افتخار خواهد بود. شرم از این صحنه ها برای کسی

دارند برای جنایاتی کمتر از این افرادی را در دادگاه بین المللی لاهه محاکمه میکنند. شما که خود را از پیش کسوتان مبارزه برای حقوق بشر میدانید قاعدتاً باید از این حقایق آگاه باشید.

شما حتی اعتراض "هم وطنانتان" به این جنایان را دیدید و باز در پانل کنار آنها ایستادید. شما سخنان مردی را که پشت میکروفون از جنایات جمهوری اسلامی و قتل خواهران و برادرانش گفت، شنیدید، شما زخم شلاق همسفرانتان را بر پشت "هم وطنان" تان دیدید، اما شرمند نشدید، شما از اینکه بعنوان سفیر دولت خاتمی به برلین آوردنتان تا مقدمات سفر او را به آلمان فراهم کنند، معذب نشدید. شما حتی وقتی بعداً، مقارن با محاکمه تان از زبان برگزار کنندگان کنفرانس برلین مقاصد سیاسی شان را شنیدید و خواندید، باز از اینکه در این بازی سیاسی شرکت کرده اید، شرمگین نشدید. خیر، شما از اینکه جمعی از مدافعان آزادی مردم ایران، جمعی از قربانیان این پاسدار-سابق های همسفرانتان، شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر دادند شرمگین شدید؟! و شما قرار است آدم فهیم آن مملکت باشید!

از دو حال خارج نیست: یا واقعا این موضع سیاسی رسمی تان است. از ارتجاع اسلامی شکوه ای ندارید و شعار سرنگونی شرمسارتان میکنید. در این حالت چیزی برای گفتن به شما باقی نمیماند. و یا بعلت اوضاع سیاسی و تهدیدات حکومت، تصمیم گرفته

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید  
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



کار! من کمونیست در نوروز ۱۳۶۱ در زمانی که در یک قدمی زندان، شکنجه و اعدام بودم از تهران به مناطق آزاد کردستان و به میان رفقای مسلحم رفتم تا به مبارزه ام برای آزادی در ایران، برای اینکه نتوانند جلوی صحبت مهرانگیر کارها را بگیرند و بجرم سخن گفتن دادگاهی شان کنند ادامه بدهم. در آن موقع شما چه میکردید؟ کجا بودید؟ من دوستان و همسنگران بسیاری را در زندان ها و سیاهچالهای جمهوری اسلامی و در جنگ با ارتش و پاسداران اسلامی در کردستان از دست داده ام، در آن زمان شما به چه امری مشغول بودید؟ خانم کار عزیز، این شما ماندگارهای عزیز هستید که باید احترام بسیار بیشتری برای کسانی که زودتر از شما شروع کردند، بیشتر از شما ایستادگی کردند و سختی کشیدند و صریح تر و شجاعانه تر از شما جنگیدند قابل باشید. این شماست که باید به آن صدهزار نفری که در این بیست و دو سال اعدام شده اند، به بازماندگان آنها، به آزادیخواهانی که یک روز از مبارزه علیه این رژیم ضدانسانی بازمانده اند، به مردم به جان آمده ای که بدون حمایت رسانه های غربی هر روز نفرت و اعتراض خود را به جمهوری اسلامی ابراز میکنند، به زنانی که بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی شلاق میخورند، به زنان مبارزی که در ۸ مارس حجاب از سر برداشتند، و حجاب به آتش کشیدند احترام بگذارید. معترضین در برلین صدای اعتراض آن گورهای بی نام و نشان و آن بدنهای شکنجه شده و آن مردم به جان آمده بودند. چگونه باید اعتراض میکردند؟ چگونه باید صدای اینهمه قربانی را بگوش جهان میرساندند؟ چگونه باید اعلام میکردند که چنین کنفرانسی خاک پاشیدن به چشم آن جانباختگان، سرکوب شدگان و بازماندگان آنهاست تا شما عرق شرم نمیربختید؟ تا شما هم به اعتراض شان میپیوستید؟ تا شما به آنها احترام میگذاشتید؟

با اینحال ما این احترام را از شما دریغ نکرده ایم. تا آنجا که به شخص شما و برخی دیگر از شرکت کنندگان در پانل مربوط میشود، من به سهم خودم بارها در مصاحبه ها و سخنرانی هایی

که مورد سوال قرار گرفته ام، اعلام کرده ام که علیرغم اختلاف سیاسی، هر کسی که برای بهبود وضع هر بخش از مردم فعالیت میکند مورد احترام من است. شما به دو کنفرانس مدوسا دعوت شده اید، مقاله و مصاحبه تان در نشریه مدوسا بچاپ رسیده است. همیشه از شما با احترام یاد کرده ایم. و بالاخره، شما میگویید: "گله دارم که در کنفرانس برلین افرادی را که طی بیست و یکسال در ایران مانده اند، کار کرده اند، و کوشش کردند، تحولی در ایران بوجود بیاید و بدون اینکه خونریزی و خشونت ورزی شود، .... اینها را مورد هتاکی قرار دادند."

در این جمله باید تعمق کرد. شما با این حکم دارید پرونده جمهوری اسلامی را از آنهمه جنایت و خشونت و خونریزی پاک میکنید. در این ۲۱ سالی که شما معتقدید "بدون خونریزی و خشونت ورزی" برای ایجاد تحول در ایران فعالیت کرده اید، بیش از صد هزار نفر اعدام شده اند، هزاران نفر زندانی و شکنجه شده اند، یک جنگ خونین به مردم در کردستان تحمیل شده است. دفاع شما از فعالیت آرام خود و هم پانلیستهایتان (که اتفاقاً دو تن شان در این جنایات نقش مستقیم داشته اند) عملاً بمعنای نسبت دادن خشونت و خونریزی ۲۱ سال اخیر به اپوزیسیون آزادیخواه، به کمونیست ها و به مردمی است که دیگر نخواستند تحمل کنند، به زنانی است که نخواستند زیر بار حجاب بروند و باین خاطر شلاق خوردند، به زنانی است که بخاطر رابطه خارج از ازدواج سنگسار شده اند، به کارگرانی است که بخاطر حقوقشان اعتصاب کرده اند، به جوانانی است که به دخالت مذهب و بسیجی در زندگیشان اعتراض کرده اند. خانم کار شما آگاهانه یا سهوا دارید جنایات و خونریزی های جمهوری اسلامی را به پای مخالفین آن مینویسید. این یک دفاع آشکار از جمهوری اسلامی است و واقعا جای تاسف است.

با آرزوی سلامتی برایتان.  
آذر ماجدی  
۸ فروردین ۱۳۸۰  
(۲۸ مارس ۲۰۰۱)

## اضطراب ۸۰

از صفحه ۱

مشروعیت به اعلام علنی عدم مشروعیت در بیم و هراسند. هر دو میخواهند این مقطع را با کمترین تلفات برای جمهوری اسلامی از سر بگذرانند. اگر چه در کشمکش درون حکومتی دو جناح، راست دست بالا دارد و در موقعیت تعرضی است و دوم خرداد در هم شکسته است و در موقعیت تدافعی است، اما در صحنه ای وسیعتر، در صحنه تقابل مردم و جمهوری اسلامی، هر دو جناح در اضطراب عمیق سیاسی غوطه ورنند.

به وضعیت دوم خرداد از نزدیکتر نگاه کنیم. همین که ما الان بحث میکنیم که آیا اصلاحات به بن بست رسیده است یا خیر نشان دهنده اینست که اصلاحات در ایران هنوز به بن بست نرسیده است. در این تصویر شکوری راد از وضعیت دوم خرداد میتوان همه آن چیزی را دید که از "حماسه دوم خرداد" بر جای مانده است. راست تعرض میکند؛ دوم خردادیها کارنامه فداکاریهایشان در قبال اسلام و حکومت اسلامی را به رخ میکشند. فعالیت نهضت آزادی ممنوع میشود؛ نهضت آزادی معصومیت اسلامیش را یاد آور میشود که در طول عمر جمهوری اسلامی "هیچ اقدام خلاف قانون و مصالح ملی و نظام جمهوری اسلامی انجام نداده اند و کاری نکرده اند جز اجرای فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر در چهارچوب قانون اساسی". راست شخصیتهای اصلی ملی-مذهبی را دستگیر میکند؛ ائتلاف نیروهای ملی-مذهبی خاطر نشان میکنند که ملی-مذهبیها "در فضای کنونی دین گریزی و دین ستیزی که بویژه در اقشار جوان رو به گسترش است از حقانیت و حیثیت دین دفاع نموده اند." راست در عین حال تواندیش اسلامی" بیرون میدهد؛ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، این رجزخوان ترین بخش دوم خرداد به وجد میاید که "خوشبختانه قطار اصلاحات توانسته است بخشی از مخالفان دیروز را سرنشین خود کند."

راست در طول چند سال گذشته توانسته است با همان سلاحهای خود دوم خرداد، حریف هم جبهه اش شکست دهد؛ دوم خرداد به نام قانون اساسی اسلامی به میدان آمد. راست با استناد به همان

قانون اساسی اسلامی زندانبانان کرد و روزنامه هایشان را بست. دوم خرداد راست را حامیان "انسداد سیاسی" نامید. راست هم دوم خرداد را حامیان فقر و فساد و تبعیض اطلاق کرد. دوم خرداد کارت "دمکراسی اسلامی" روی میز زد. راست کارت "نواندیشی اسلامی" بیرون کشید. دوم خرداد راست را "جریان حاکم" اطلاق کرد. راست هم دوم خرداد را "جریان حاکم" خطاب کرد که باید کارنامه چهار سال حکومتش را عرضه کند. راست میخواهد ناراضیان دوم خرداد را پراکنده و بالای دوم خرداد را به صف خود جذب کند. اینرا با طرح "مرکزی برای هدایت اصلاحات" شروع کرد، با طرح "جریان نواندیشی اسلامی" ادامه داد، و امروز عملاً میخواهد با طرح "فاق و وحدت" به پایان برساند. گروههای اصلی راست در اطلاعیه ای مشترک رسماً خواسته اند "جناحهای سیاسی درون خانواده انقلاب" متحد شوند، "تندروها و یا ستون پنجم" طرد شوند تا سال آینده سال "فاق و وحدت" و "آرامش در کشور" و "مقابله با دشمنان" باشد. این دشمنان، مردم هستند.

این تعرض راست از یکطرف و این موقعیت مستاصل دوم خرداد از طرف دیگر ریشه در یک حقیقت پایه ای تر دارد: دوم خرداد نتوانسته است نقش ضربه گیر در مقابل اعتراض مردم ایفا کند؛ مردم توهمی به جناح دوم خرداد ندارند. و نمایش ۸۰، چه با خاتمی و چه بی خاتمی میتواند لحظه ای جلی از یک تکان گسترده اعتراضی شود. باید برای مقابله با چنین تکانی آماده شد. این حقیقت در نامه سرگشاده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به خاتمی صریحا بیان شده است: "اگر چه خطر کاهش مشارکت مردمی وجود

دارد اما بقاء و آینده نظام جمهوری اسلامی به حضور شما در انتخابات منوط است... کناره گیری شما چشم انداز تیره و خطرناکی را بر روی نسل کنونی خواهد گشود." این چشم انداز خطر خیر چیست؟ "آمیددی مردم از ظرفیت اصلاح جمهوری اسلامی و روی آوریشان به شورش و براندازی." کل اضطراب سیاسی در این حقیقت غیر قابل انکار نهفته است.

اضطراب ۸۰ فقط مختص سران حکومت و شرکای حکومتی قدیم و جدیدشان نیست. همین دیروز بود که نگهدار و کشتگر و مدنی و همسفران چمدانها را بسته، دم در نشستند و منتظر بودند اصلاح طلبان اسلامی "قانون عفو" تصویب کنند و رهبر معظم "عفو" شان کند و از زیر قران رد شده و عازم ایران شوند. قول داده بودند تمام هوش و ذکاوتشان را برای رنگارنگتر کردن کارناوال اسلامی "جامعه مدنی" به کار گیرند. کشتگر حتی آرزو کرده بود که ای کاش "خامنه ای و رفسنجانی صدای مردم را می شنیدند و جناح راست فرصت مییافت که با کمترین هزینه در صحنه سیاسی ایران حضوری قانونی (!) داشته باشد." و مهمتر از همه، چقدر برای تحقق این رویای احمقانه به "دیو" انقلاب بد و بیراه گفته بودند. همینها امروز زانوی غم در بغل گرفته اند که "احتمالا دیگر هیچ راهی به جز تکرار انقلاب بهمین برای به زیر کشیدن استبداد باقی نمیماند." داشتند خدمتکاران صدیق "دمکراسی اسلامی" باشند، پامبرنی خوانهای بی جیره و بی آینده منجلااب اسلامی باقی ماندند. تاریخ سیاست سرشار از چنین تراژدیهاست.

### سایت رسمی حزب کمونیست کارگری

مجددا فعال شده است

www.wpiran.org

برای مطالعه آخرین اطلاعات، آرشو ادبیات

حزب، اخبار فعالیتها، حزب، فراخوانها

به سایت حزب مراجعه کنید

سایت حزب هرروز تکمیل و تازه میشود

ورودی به سایتها، انگلیسی، آلمانی،

ترکی و سوئدی حزب

# به کمیته بین المللی علیه سنگسار پیوندید!

اطلاعه شماره ۳

کمیته بین المللی علیه سنگسار، شبکه بهم پیوسته ای است از تشکلهای و شخصیتهایی که علیه سنگسار زنان در کشورهای اسلام زده، فعالیت میکنند. این کمیته متعهد است جلو سنگسار زنان، این پدیده وحشتناک و قرون وسطایی را در هر نقطه ای از جهان بگیرد. به کمیته بین المللی بر علیه سنگسار پیوندید.

اولین لیست اعضای کمیته بین المللی علیه سنگسار

- ۱- آذر ماجدی سردبیر نشریه مدوسا و فعال سرشناس جنبش زنان
- ۲- گوتتره والرالف نویسنده و محقق سرشناس آلمانی
- ۳- نسرین امیر صدقی مسئول سازمان فرهنگی DIA در آلمان
- ۴- سیاوش مدرسی سردبیر نشریه پوشه - آلمان
- ۵- بصیر نصیبی فیلمساز و منتقد فیلم، سردبیر نشریه سینمای در تبعید - آلمان
- ۶- پروین کابلی فعال جنبش زنان و مسئول کمپین زنان در سوئد
- ۷- سازمان فرائون هنر سازمان فمینیستی آموزش، مشاوره و فرهنگ - اتریش
- ۸- اعظم کم گویان نویسنده و مبارز جنبش زنان
- ۹- ناهید ریاضی فعال جنبش زنان و مسئول کمپین زنان در دانمارک
- ۱۰- کایزا آلفردسون استاد دانشگاه سوئد
- ۱۱- نادیا محمود فعال جنبش زنان از عراق و مسئول مرکز پژوهشهای زنان در خاورمیانه - انگلیس
- ۱۲- مهین علیپور فعال جنبش زنان - سوئد
- ۱۳- پروین معاذی مسئول کمپین از آلمان
- ۱۴- لارس - گونار ولمیو ژورنالیست سوئدی در بروکسل
- ۱۵- مریم نمازی دبیر همبستگی

- فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
- ۱۶- رضا کمانگر فعال جنبش زنان در فنلاند
- ۱۷- سیلویا آکار - بنیاد مطالعات آفریقایی و آسیایی در فنلاند
- ۱۸- سیو هندروس - کله کی، تشکل فنلاندی و کرد در فنلاند
- ۱۹- ویله کومسی، نماینده سابق پارلمان فنلاند و عضو تشکل فنلاندی و کرد هلسنیکی
- ۲۰- پروانه ایلخانیزاده از مرکز فرهنگهای بین المللی هلسنیکی
- ۲۱- شهلا رحستم عضو تشکل زنان عراقی فنلاند
- ۲۲- آلا فرج - کمپین زنان عراقی در فنلاند
- ۲۳- ثریا شهابی مسئول تشکل اول کودکان و فعال جنبش زنان
- ۲۴- مریم کوشا مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران
- ۲۵- هلاله رافع فعال جنبش زنان - سوئد
- ۲۶- سارا محمد از فعالین کمپین دفاع از حقوق زنان در عراق - سوئد
- ۲۷- سهیلا فرهنگ دستیار سردبیر نشریه مدوسا - انگلیس
- ۲۸- هیله گارد ماتوئرهوف - انستیتوی فرهنگی رنر در وین - اتریش
- ۲۹- رزا لوگار - سازمان حقوق زنان، حقوق بشر - اتریش
- ۳۰- گوندی دیک فعال جنبش زنان در اتریش
- ۳۱- هدی پویا فعال جنبش زنان - برلین
- ۳۲- رتنه موبری - ورانه از اف. پ. ک. سوئد
- ۳۳- مهرنوش موسوی مشاور حقوقی فدراسیون پناهندگان ایرانی
- ۳۴- سازمان تره ده فام - سازمان زنان آلمانی
- ۳۵- بهرام مدرسی از سازمان جوانان کمونیست - برلین
- ۳۶- ریتا تالمن فعال قدیمی حقوق انسانی و استاد دانشگاه در پاریس - فرانسه
- ۳۷- شیوا محبوبی مسئول کمپین زنان تورنتو - کانادا
- ۳۸- آندریا وستمان فعال زنان - سوئد
- ۳۹- ماریانا فاگیرگ فعال زنان از حزب سوسیال دمکرات - سوئد
- ۴۰- موریس فرهی رئیس سابق انجمن قلم (پن) - پاریس
- ۴۱- ماری سیماس فعال حقوق مدنی - آمریکا
- ۴۲- سیلویا هارکینز فعال حقوق زنان - کانادا
- ۴۳- آزه بانگ فعال حقوق زنان و عضو skv سوئد

## مینا احدی

هماهنگ کننده کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۲۶ مارس ۲۰۰۱

## باید جلو سنگسار مریم ایوبی را گرفت!

مریم ایوبی مادر سه فرزند و ۳۲ ساله در زندان جمهوری اسلامی در انتظار اجرای حکم سنگسار است. وقتی تائید حکم سنگسار او توسط دیوانعالی کشور به او ابلاغ شد، دچار بیهوشی گردید. همین امروز و در همین لحظات نیز در سیاهچالهای رژیم مرتجع اسلامی چندین زن شب را با وحشت از اجرای حکم سنگسار به روز میروسانند. مریم ایوبی یکی از این قربانیان است. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و کمپین دفاع از حقوق زنان برای جلوگیری از اجرای این حکم، کمپینی را سازمان داده اند. یکبار دیگر از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و حقوق زنان، از اتحادیه های کارگری و از همه انسانهای آزاده دعوت میکنیم که به این احکام جنایتکارانه اعتراض کنند.

## "اقتدار ملی، اشتغال"

از صفحه ۱

شامل حکم "باید بروند" شده اند. (ممکن است تحت شرایطی، بویژه به یمن دست داشتن در حکومت، اینها بتوانند نقشی ایفاء کنند. اما میدانند آن روزی که "اقتدار ملی" آیت الله شان درهم شکند اینها خاشاکی بر روی یک سیلاب عظیم حرکت مردم برای زندگی مدرن و آزاد و برابر خواهند بود. عجیب هم نیست که با وجود همه "انتقادات" و "اصلاح طلبی" شان دودستی به رژیم شان چسبیده اند.)

اما تحولات جامعه ایران بسرعت ادامه دارد. طبقه کارگر باید بعنوان رهبر به میدان آید. نه فقط به این دلیل که پر عده ترین طبقه جامعه است. نه فقط به این دلیل که طبقه اصلی تولید کننده است. نه فقط به این دلیل که امکان متشکل شدنش به مثابه یک طبقه، یک نیروی سیاسی، بهتر فراهم است. نه فقط به این دلیل که در برآمد قبلی جامعه ایران، انقلاب ۵۷، نشان داد که پیروزی بر رژیم حاکم با به میدان او ممکن است. بلکه، علاوه بر همه اینها، به این دلیل که میتواند افق رهایی بشر را مقابل جامعه قرار دهد. میتواند میلیونها نفر را حول پرچم کمونیستی خود متشکل کند و برای تمام مسائل جامعه ایران راه حلهای انسانی را عملی و متحقق کند.

جامعه ایران نه فقط بسوی سرنگونی و کنار گذاردن جمهوری اسلامی به پیش میرود، بلکه مقدمات یک انقلاب کارگری را فراهم می آورد. خامنه ای و سران رژیم اینرا خوب حس میکنند.

امسال نیست. اینها به جای خود، در سطحی عمیقتر تحولات چند ساله اخیر ایران بسمتی رفته است که به میدان آمدن طبقه کارگر را طلب میکند.

جامعه ایران به یک خانه تکانی اساسی دست زده است. سه چهار سال است که آزادی، مذهب، تبعیض علیه زنان، حدود و اختیار حکومت، حقوق فرد، گرانی و بیکاری، اقتصاد و سیاست، استبداد، دموکراسی، لیبرالیسم، کمونیسم و غیره به بحث هر جمع و محفل و خانواده ای تبدیل شده است. کمتر کسی است که در اعتصابی، تحصنی، راهپیمایی، میتینگی و یا درگیری و شورش شرکت نداشته باشد. هر فردی در طی چند سال گذشته بارها و بارها در قبال حوادث مختلف خود را در بحث های سیاسی داغ در باره این و آن وجه حکومت، این و آن نیروی سیاسی اپوزیسیون یافته است. از این تحولات تاکنون دو نتیجه مهم بدست آمده است. اول اینکه جمهوری اسلامی باید برود. دوم، و در همین رابطه، اینکه اپوزیسیون سنتی ایران، طیف وسیع اسلامیون رنگارنگ، ملیون و مصدقون، توده ای اکثریتی ها و کنفدراسیونی های سابق، که حول پرچم دوم خرداد متحد شده اند، صحنه را باخته اند. اینها در دعوی عظیم جامعه ایران برای تغییر اوضاع کنار جمهوری اسلامی ایستادند و

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهروز مدرسی -دبیرسازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England